

پیشگفتار

تاریخ معاصر ایران، در پهنه پژوهش، با کاستی‌ها و موانع قابل توجهی روبه‌روست که بسته به موضوع تحقیق، متغیر و متفاوت‌اند. تنگناها زمانی بیشتر نمایان می‌شوند که موضوع پژوهش، سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی - اعم از علنی و مخفی - باشند. گذشته از گره‌های کیفی و ماهوی، که مرحله به مرحله در جریان تحقیق پیش می‌آیند و مطالبی که محل اختلاف واقع می‌شوند، دو علت اصلی را می‌توان موجد موانع عمده در این میان دانست: نخست «تاریخی» نشدن موضوع و «معاصر» بودن پژوهشگر؛ و دیگر، عدم دسترسی به اسناد و مدارک کامل و دست اول.

پیش از تبیین جوانب گوناگون مربوط به پژوهش حاضر مروری مجمل و گذرا بر آثاری که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در زمینه سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی عرضه شده، ضروری به نظر می‌رسد.

انواع منابع و مآخذ تحقیق

این‌گونه تألیفات و تحقیقات که انواع منابع و مآخذ پژوهش در تاریخ معاصر را دربر می‌گیرند، از زوایای مختلف (پدیدآورنده، ناشر، محدوده موضوع و روش تحقیق) می‌توان به چند دسته تقسیم نمود: ۱- کتب و نشریات رسمی گروه‌ها و سازمان‌ها؛ که بازتاب منظری جانبدارانه است. این آثار مواد خام بی‌واسطه برای هر تحقیق‌اند. در این دسته، «مجموعه‌ها»، به خصوص اگر با شیوه‌ای علمی تنظیم

شده باشند، از اهمیت بیشتری برخوردارند و گاه مانند فهرست راهنمای مفیدی به کار می‌آیند. نشریات، کتب و بیانیه‌هایی که نشان مشخص گروه یا سازمان معینی را بر خود ندارند ولی از سوی افراد منتسب به آنها تدارک شده‌اند نیز از این دسته‌اند و از منابع مهم مطالعاتی جریان‌های سیاسی - از نوع بی‌واسطه و دست اول - محسوب می‌شوند.

۲- آثار نویسندگان مستقلی که خود زمانی در متن وقایع و ماجراها بوده‌اند و سال‌ها درون گود زیسته‌اند ولی - اغلب - عُلقه‌ها را گسسته‌اند. در سدهٔ اخیر، به دلیل حضور طیف‌ها و گرایش‌های گونه‌گون سیاسی - اجتماعی و بروز آرا و نظرات متنوع، کمتر محقق و مؤلفی از تأثیرپذیری این طیف‌ها و گرایش‌ها مصون مانده است. اغلب آنانی که از این طیف دست به قلم برده‌اند، مدتی کم و بیش یا «با» جریان‌ها بوده‌اند یا «بر» آنها و در بیشتر موارد با پدیدهٔ مورد بحث - به نحوی - ارتباطی مستقیم داشته‌اند؛ این است که آثارشان سمت‌گیرانه و جهت‌دار می‌نمایند ولی به عنوان یک گرایش یا نقد درونی یک جریان سندی دارند و به میزان وقوف، اطلاع، انصاف و صداقت ایشان معتبرند.

۳- خاطرات اشخاصی که در مقاطع حساس تاریخ معاصر نقشی به عهده داشته‌اند. میزان و مناط اعتماد به این آثار، بسته به کارنامهٔ سیاسی نویسندگان یا روایانش، یکسان نیست؛ بی‌تردید زمان، مکان و شرایط اجتماعی و روانی ویژه‌ای که نویسنده به هنگام بیان یا نگارش خاطرات خود در آن قرار داشته نیز باید هنگام بررسی آنها ملحوظ گردد. برخی از خاطره‌نگاری‌ها واکنش‌هایی هستند در برابر پدیده‌ها و وقایعی که پیرامون اشخاص یا بر آنها گذشته‌اند و یا خود بخش‌هایی از تداوم فعالیت سیاسی فرد و تلاش وی در جهت افزایش محبوبیت، نفوذ و تأثیر اجتماعی و سیاسی از طریق بازسازی تاریخی هویت و عملکرد خویش، نیز می‌توانند محسوب گردند. البته میزان قابل توجهی از خاطرات منتشر شده مبارزان و رجال سیاسی به ویژه به دلیل اتقان و صحت آنها در تطبیق با سایر اسناد، مدارک، شواهد و قرائن معتبر موجود، نقش بی‌بدیلی در رفع بسیاری از ابهامات و سؤالات تاریخی ایفا می‌کنند.

۴- تاریخ‌های عمومی معاصر ایران. تکلیف برخی از این تألیفات، به قلم کسانی که تاریخ را عرصه کتاب‌سازی سودجویانه و شهرت‌طلبی یافته‌اند، از پیش روشن است؛ این گونه تألیفات، یا از فرط عمومیت و کلی‌گویی یکسره ابترند و ثمری بر آنها مترتب نیست و یا مستندات معتبری ندارند، متکی به مسموعات و حافظه‌اند و غالباً مخاطبان غیرمتخصص را گمراه ساخته و تاریخ مصرف دارند.

کارهای مفید و قابل اعتمادی که در این گستره عرضه شده متأسفانه جامعیت و شمول لازم را ندارند، همه‌سونگری در آنها کمتر به نظر می‌آید و اغلب جزیی از یک جریان و پدیده را - با برش زمانی دلخواه - پی گرفته‌اند. ضعف و فقر منابع و گاه یکسویه بودن آنها، از جمله نقایص این‌گونه تألیفات هستند. ضمن آنکه برخی از نویسندگان به روشنی‌گرایی‌ها و دیدگاه‌های سیاسی و عقیدتی خود را در گزینش رویدادها و تبیین و تحلیل آنها دخالت داده‌اند. معدودی از این‌گونه آثار ابتدا در پاسخ به نیازهای مقطع و یا مخاطبان خاص نگارش یافته‌اند و پس از کاربرد موفق آنها در محدوده خاص آموزشی یا پژوهشی، انتشار عمومی نیز یافته‌اند که به دلیل کمبود آثار مشابه با اقبال عمومی مناسب و گاه گسترده مواجه شده‌اند. بدیهی است که نمی‌توان از این دسته تاریخ‌های عمومی انتظار داشت که نیاز پژوهشگران و متخصصان را برآورده سازند. در مجموع بخش زیادی از چنین تاریخنگاری‌هایی را نمی‌توان غیرمفید و یا نامعتبر دانست؛ بر پژوهشگر نکته‌یاب و تیزبین است که انواع زوایای دید و گرایش‌ها را در این گونه تألیفات موردنظر قرار دهد و برآیندی جامع و همه‌سویه را - تا حد مقدور - جستجو کند و دریابد.

۵- تألیفاتی که مجاری پژوهش و انتشار آنها رسمی یا نیمه‌رسمی‌اند. به این آثار نیز نمی‌توان با نگاهی واحد نگریست؛ چراکه انگیزه‌های پدیدآورندگان متفاوت است و امکانات یکسانی، از نظر مدارک و اسناد، در اختیار همه نبوده است. به رغم بدبینی شایع در برخی محافل علمی نسبت به این‌گونه آثار - که عمدتاً توسط جریان‌های اپوزیسیون داخل و خارج کشور و مراکز علمی وابسته به دولت‌های مخالف و درگیر با سیاست‌های رسمی کشور، دامن زده می‌شود - نمی‌توان ارزش علمی روشن و قابل ارزیابی بسیاری از پژوهش‌هایی که برچسب «رسمی» بر آنها زده شده را انکار نمود. در شرایطی که معمولاً اغلب و یا همه آثار و تحقیقات منتشره توسط مجاری «رسمی» خارجی و به ویژه غربی در زمینه تاریخ معاصر ایران، توسط برخی نویسندگان و محافل علمی داخلی با استقبال مواجه می‌شوند و بدون کمترین تردید به عنوان آثار علمی و معتبر محسوب می‌گردند، در مورد آثار داخلی به صرف حمایت مستقیم یا غیرمستقیم یک مرکز رسمی و بدون اتکا به نقد و داوری علمی، بی‌اعتنایی و بایکوت و فضا سازی در مورد عدم اعتبار پژوهشی و علمی آنها صورت می‌پذیرد.

گشاده‌دستی و گشاده‌روی در قبال آثار غربی نه تنها شامل محافل آکادمیک و پژوهشی - مورد حمایت و پشتیبانی مالی دولتی و یا مجتمعات و بنیادهای قدرتمند اقتصادی همبسته با مراکز سیاسی -

می‌گردد بلکه انستیتوها و مراکز تحقیقاتی شناخته شده‌ای که رسماً مجری پروژه‌های پژوهشی دولتی و رسمی قدرت‌های غربی نیز هستند مشمول این پذیرش و معتبر محسوب شدن می‌گردند. در حالیکه ساز و کار مدیریت و یا حمایت‌های رسمی از مراکز پژوهشی و آکادمیک در ایران برخلاف پیچیدگی و وابستگی مستحکم اعمال شده در مؤسسات غربی، آنچنان بسیط و آشکار است که همواره تفاوت و تمایز بین کتب و منشورات «تبلیغی» آنها و آثار «پژوهشی و تحقیقی» این مراکز کاملاً روشن و قابل تشخیص است.

در این موارد کیفیت تحقیقات و میزان اتقان علمی و استناد به منابع و اسناد معتبر می‌بایست ملاک تشخیص اعتبار و اصالت آثار قرار گیرند نه اینکه صرفاً به خاطر رسمی بودن و یا برخورداری از پشتوانه مالی رسمی یک مؤسسه پژوهشی یا ناشر، جامعه علمی کشور را به ناحق از حاصل زحمات گروهی از پژوهشگران و محققان کشور محروم ساخت.

طی سال‌های اخیر بسیاری از اشخاصی که در کارهای قلمی و در حیات علمی خویش بارها و بارها از امکانات و حمایت‌های مالی مراکز رسمی و دولتی پیش و پس از پیروزی انقلاب برخوردار بوده‌اند و به دلیل برخی ملاحظات و یا گرایش‌های سیاسی مرهون محبت‌های فراوان مراکز رسمی و نیمه رسمی غربی قرار گرفته‌اند، به گونه‌ای درباره آثار پژوهشی منتشره توسط برخی مؤسسات علمی و پژوهشی رسمی یا نیمه رسمی داخل کشور سخن گفته و داوری کرده‌اند که حمایت رسمی از یک پژوهش را پدیده‌ای نامشروع و مخالف استقلال و بی‌طرفی علمی و مطلقاً مذموم معرفی کرده‌اند.

بدیهی است که نمی‌توان استاندارد و معیار دوگانه یا به تعبیر شیوای زبان فارسی «یک بام و دو هوا» در این زمینه را دید و بر آن چشم فرو بست.

از سوی دیگر بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد پژوهش‌هایی که در زمینه تاریخ معاصر ایران توسط مراکز و مؤسسات پژوهشی رسمی یا مورد حمایت دولت، پشتیبانی شده و انتشار یافته‌اند در بسیاری موارد از نمونه‌های مشابه که توسط مؤسسات غربی رسمی یا نیمه رسمی منتشر شده و ترجمه آنها در ایران نیز عرضه شده‌اند، اعتبار علمی و درستی و انصاف بیشتری دارند. البته اگرچه آثار منتشره غربی از حیث روش تحقیق (متدولوژی) و ویژگی‌های شکلی و تنوع منابع ظاهراً بر برخی موارد مشابه داخلی برتری‌هایی دارند اما غالباً فاقد استقلال در بینش و نگرش تاریخی هستند و واقع‌بینی و درستی آنها با تردیدهای جدی مواجه‌اند.

همچنین زمانی که هزینه‌های بعضاً هنگفت تحقیقات تاریخ معاصر ایران در خارج از کشور توسط مراکز و بنیادهایی که مورد حمایت مالی گروه‌های اپوزیسیون، مقامات رژیم پهلوی و یا دولت‌های غربی هستند تأمین می‌شوند نمی‌توان انتظار داشت که اهداف و جهت‌گیری‌های سیاسی خاص بر این آثار سایه سنگینی نیفکنده باشند.

لیکن نمی‌توان انکار نمود که بعضی مقامات رژیم پهلوی ساکن در ایران یا گردانندگان و فعالان سیاسی احزاب و گروه‌های اپوزیسیون که از موضع ندامت یا تبتّه نسبت به حقایق در عرصه تاریخ معاصر ایران قلم زده‌اند و آثار خود را در ایران منتشر ساخته‌اند، نسبت به فضای سیاسی و شرایط فرهنگی موجود در داخل کشور ملاحظات و یا محظورات خودخواسته یا ناخواسته‌ای داشته‌اند.

اما نمی‌توان فضای حاکم بر این آثار را که گاهی وجوه تبلیغی و جهت‌دار آشکار یافته‌اند، بر کلیه آثاری که بر آنها برچسب «رسمی» زده شده‌اند تعمیم و تسری داد.

اگر بتوان فارغ از فشار فضاسازی و برچسب‌زنی بر آثار مؤسسات پژوهشی دولتی یا نیمه‌رسمی داوری نمود، اتفاقاً به دلیل ویژگی اختصاصی امکان دسترسی به اسناد و مدارک آرشیوهای غنی داخل کشور، بسیاری از این آثار در نوع خود بی‌نظیر و برخوردار از اعتبار بالای پژوهشی و علمی ارزیابی می‌شوند.

روشن است که مواضع و تحلیل‌های اینگونه آثار مانند سایر آثار داخل و خارج کشور صرفنظر از آنکه از مجاری رسمی انتشار یافته‌اند یا خیر، بازتاب دیدگاه‌ها و بینش محققان آنها محسوب می‌شوند و با منطق و شیوه مناسب خود در معرض نقد و داوری قرار می‌گیرند. در این زمینه دیگر بین آثاری که برچسب «مستقل» خورده‌اند با آثاری که با صفت «رسمی» توصیف شده‌اند، تفاوتی وجود ندارد و در تمامی آنها می‌توان جهت‌گیری‌ها و مواضع خاص پدید آورنده و ناشر را مشاهده نمود.

به نظر می‌رسد در هر پژوهشی درباره تاریخ معاصر، نمی‌توان از رجوع و استناد روش‌مند و علمی به انبوه آثار تحقیقی منتشره توسط مراکز علمی و پژوهشی برخوردار از حمایت‌های رسمی داخل کشور، بی‌نیاز و مستغنی بود.

۶- آثار شرق‌شناسان فرنگی و شاگردهای ایرانی آنها نیز با همه وسواس علمی که در شیوه تألیف و تدوین آثارشان به خرج می‌دهند، در مجموعه کار، زیر تأثیر فرض‌هایی «مقدر» قرار دارند؛ و خواننده ایرانی - و شرقی - همواره احساس می‌کند که یک «پیشداوری» بر «اثر» سنگینی می‌کند و به او

تحلیل می‌شود. در اینجا سمت‌گیری و جهت‌داری، به مفهوم متداول سیاسی، مطرح نیست؛ محقق، در چرخه کار خویش به صراحت و آشکارا له یا علیه بخش‌ها و عناصری از پدیده مورد بحث موضع صریح نگرفته است که بتوان به راحتی و در نظر اول اثرش را از بی‌طرفی علمی ساقط دانست بلکه اشکال در نوع نگاه او به پدیده مفروض است.

اینگونه آثار به دلیل پیچیدگی و ظرافت در تبیین و توصیف جهت‌دار وقایع تاریخی و ارباب غیرمستقیم مخاطبان در پناه عناوین و القاب آکادمیک مؤلفان و ناشران آنها، از حساسیت و ویژگی‌های خاصی برخوردارند. زنجیره به هم پیوسته بسیاری از مراکز و مؤسسات شرق‌شناسی وابسته به محافل علمی غربی و قدرت تبلیغی و جریان‌ساز نشریات و مطبوعات آکادمیک اروپا و آمریکا، در بسیاری از مواقع شبیه ساز و کار پروپاگاندا سیاسی (تبلیغ فریبکارانه) عمل می‌کند و به ویژه مخاطبان شرقی را به نوعی تبعیت و تقلید فرا می‌خواند. گویی این آثار به مثابه رفرنس‌های مقدس بایستی بدون نقد و داوری علمی پذیرفته شوند و پژوهشگران شرقی تحقیقات خود را مبتنی بر ایمان به آنها استوار سازند.

در دو دهه اخیر با رشد و گسترش مطالعات تاریخ معاصر ایران در بستر سنت دیرپای شرق‌شناسی، موج وسیع و قابل توجهی از آثار غربی پدید آمده که هسته بنیادین گفتمان آن را نفی اصالت انقلاب اسلامی، برجسته‌سازی احزاب و گروه‌های اپوزیسیون و توجیه و تبرئه رویه استعماری تمدن غربی در مواجهه با ایران طی دو قرن گذشته و به ویژه دوران پهلوی تاکنون، تشکیل می‌دهد. هشیاری و دقت علمی کافی در استفاده از این نوع آثار شرق‌شناسانه درباره تاریخ معاصر ایران، در بین برخی از پژوهشگران کمتر به چشم می‌خورد.

۷- آثار تخصصی حول مقطعی از تاریخ معاصر، که به حوزه اندیشه یا نهادی خاص ناظر است. هم پژوهشگران ایرانی و هم غیر آنها در این مقوله‌ها قلم زده‌اند؛ و میزان سندیت و اعتبار کارشان، باز بسته به مواردی که گفته شد، متفاوت است. به‌هرحال انتخاب موضوعات و مدخل‌های اخص برای پژوهش، مجالی به محقق می‌دهد که از درگیر شدن با حواشی بپرهیزد و اثر خود را ویراسته‌تر عرضه دارد.

۸- اسناد و مدارک رسمی؛ ایرانی و خارجی. این مدارک از یک نوع نیستند و به انواعی تقسیم می‌شوند: اسناد خام که مواد اولیه تحلیل‌ها به شمار می‌روند، گزارش‌ها، تحلیل‌های مبتنی بر دوگونه نخست و اقسام دیگر. قضاوت درباره برخی از این اسناد، نظر به نحوه انتشار و دسترسی و بهره‌ای که از آنها

گرفته شده و می‌شود، آسان نیست؛ مقررات و سیاست‌هایی که دولت‌های غربی در مورد انتشار اسناد تاریخی و طبقه‌بندی شده خود اعمال می‌کنند و احتمال بهره‌برداری سیاسی و حتی حقوقی علیه مداخلات گذشته آنان به ویژه انگلستان و آمریکا در امور داخلی ایران، موجب شده است که بسیاری از اسناد مهم به دلایل و بهانه‌های گوناگون هرگز انتشار نیابند و یا آنکه اسناد منتشره و در دسترس آنان به صورت گزینش شده و محدود ارائه گشته‌اند. مع‌الوصف در کنار سایر منابع، اسناد آرشیوهای خارجی با توجه به مجموع ملاحظات موجود و محتمل قابل بهره‌گیری در تحقیقات تاریخی هستند. انتشار اسناد موجود در آرشیوهای مراکز دولتی جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های اخیر از سرعت و گسترش زیادی برخوردار شده است. بدیهی است که ملاحظات اندکی در حوزه اسناد تاریخی موجود در وزارت خارجه یا ریاست جمهوری و نیز ضوابط معقول و قابل درکی در دسترسی به اسناد طبقه‌بندی شده شهربانی، ساواک و ارتش وجود دارند. اما به استناد بررسی علمی و تطبیقی دقیق می‌توان پذیرفت که انتشار اسناد تاریخ معاصر در داخل کشور از کیفیت و روند مناسب و رو به رشدی برخوردار است. کاستی‌های موجود در شیوه‌های علمی ترتیب و تدوین مجموعه اسناد منتشره و انتقاداتی که به نحوه ارجاع و استناد به این اسناد در برخی آثار منتشره به چشم می‌خورد، چیزی از اهمیت و ارزش این اقدام سترگ نمی‌کاهد. هم‌اکنون غنا و گستره انتشار اسناد گوناگون در کشور به جایی رسیده است که تقریباً هیچ تحقیق و تألیفی در زمینه تاریخ معاصر ایران بدون در نظر گرفتن این اسناد امکان‌پذیر نیست. بررسی برخی از مورد توجه‌ترین کتاب‌های تاریخی چند ساله اخیر که در خارج و داخل کشور انتشار یافته نشانگر این واقعیت است که مجموعه اسناد منتشره در ایران به یک منبع معتبر، مهم و غیرقابل چشم‌پوشی در عرصه پژوهش تاریخی تبدیل شده است.

موضوع و دامنه این تحقیق

موضوع این پژوهش، بررسی و تبیین مستند تاریخچه، ایدئولوژی، مواضع و عملکرد سازمان نیمه مخفی و سیاسی - نظامی موسوم به «مجاهدین خلق ایران» است که طی بیش از دو دهه گذشته تاکنون در ایران عموماً با نام سازمان «منافقین» شهرت یافته و شناخته می‌شود. این سازمان به دلایل متنوع و مختلفی از دهه پنجاه شمسی به بعد در بین گروه‌ها و احزاب ایران یکی از مطرح‌ترین و فعال‌ترین گروه‌ها محسوب شده است که افکار عمومی نسبت به آن توجه و حساسیت

خاصی نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد چگونگی داوری موجود دربارهٔ این سازمان به شرح ذیل قابل توصیف و دسته‌بندی است:

۱- در فضای نیروهای روشنفکری و نخبگان با تأکید بر وجه خشونت‌ورزی و شورشگری مسلحانه در هویت و استراتژی این سازمان، غالباً نسبت به آن از موضع نفی و مخالفت سخن می‌گویند و آن را مانع تعمیق و گسترش مردم‌سالاری و اعتلای فرهنگ مدارا و گفتگو در فضای سیاسی کشور برمی‌شمرند.

۲- افکار عمومی اقشار مختلف مردم ضمن تقید به تسمیهٔ این گروه به نام «منافقین» و قرار دادن آن در کنار صدام، عامل تجاوز خونین به کشور و تحمیل جنگ، اعلام براءت از این گروه در شعارهای خود را نوعی وظیفهٔ دینی و انقلابی می‌دانند. بسیاری از نظرسنجی‌ها به شیوهٔ علمی نیز آشکار ساخته که در نظر اغلب مردم، «منافقین» به عنوان گروهی که برای دستیابی به قدرت، خون بیگناهان بسیاری را بر زمین ریخته‌اند، شناخته می‌شوند.

۳- در فضای بین‌المللی، به ویژه پس از اعلام مواضع رسمی دولت آمریکا در آبان ۱۳۷۳ (اکتبر ۱۹۹۴) و مواضع مشابه چند کشور غرب اروپا و سپس اتحادیه اروپا مبنی بر شناسایی این سازمان به عنوان «یک گروه تروریستی که رسماً فقط مورد حمایت دولت بعثی صدام قرار داشته است»، بخش‌های اصلی نخبگان سیاسی و افکار عمومی اغلب کشورهای غربی و خاورمیانه، متأثر از موفقیت‌های دیپلماتیک و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و هماهنگ با گسترش فضای جهانی ضدتروریسم در سال‌های اخیر، آن را مطرود و محکوم ساخته‌اند. حتی اکثر گروه‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی در خارج کشور نیز سازمان مجاهدین را یک «فرقه تروریستی» با ایدئولوژی خون و خشونت توصیف می‌کنند.

در چنین فضایی، انجام یک پژوهش علمی با تأکید بر رعایت عدالت، انصاف، اعتدال، اتقان، سعهٔ صدر، استناد به منابع و اسناد معتبر، اجتناب از پیش‌داوری و یکسویگری، حفظ بی‌طرفی علمی و نگرش تحقیقی و عدم دخالت رویکردهای احساسی موجود دربارهٔ این سازمان - همراه با احترام به عواطف و افکار عمومی مردم - به منظور واکاوی ابعاد گوناگون و ناگفته موضوع و پاسخ به نیاز پژوهشگران و علاقمندان اینگونه مباحث سیاسی تاریخی، ضرورتی بیش از پیش یافته است.

چنانکه دگرگونی‌های شگرف ارتباطی و رسانه‌ای نوین و گردش انبوه و روزافزون داده‌ها و اطلاعات

در مسیرهای یکسویه و متقابل فن‌آوری‌های پیشرفته درباره‌ی تمامی موضوعات دانش و آگاهی بشری، اقتضائات و نیازهای جدیدی نیز در جامعه جوان ایرانی پدید آورده‌اند. افزایش علاقمندی و اشتیاق نسل جوان و نخبگان کشور به آگاهی‌های دقیق و عمیق‌تر از رویدادهای تاریخ معاصر ایران، یکی از آثار این تغییرات و تحولات در سپهر فرهنگی این مرز و بوم بوده است.

چرایی و انگیزه‌های انجام این پژوهش بر مبنای چنین بازتابی از اهمیت موضوع و نیاز مخاطبان در شرایط کنونی، شکل گرفته است.

کلیات تبویب و ترتیب بخش‌ها و فصول این تحقیق در قالب کتاب حاضر، مبتنی بر سیر تاریخی و پیوند مفهومی موضوعات خاص به شرح زیر سامان یافته است:

۱- در ابتدای این تحقیق بسترها و شرایط فرهنگی سیاسی تاریخ معاصر که زمینه شکل‌گیری گروه‌های سیاسی با مشی مسلحانه در اواسط دهه‌ی چهل شمسی را موجب گردید، برای تمهید بحث چگونگی تأسیس سازمان مجاهدین خلق مرور خواهند شد.

۲- بررسی هویت سیاسی، خاستگاه فکری و اجتماعی و ترکیب بنیانگذاران اولیه سازمان، سرآغاز تاریخچه سازمان است که ضمن آن در مورد یکی از بنیانگذاران که نام وی در اغلب منابع موجود محذوف است و در ساخت تشکیلاتی و ایدئولوژیک سازمان به هنگام تأسیس، نقش مؤثری داشته است، اطلاعات و نکات قابل توجه و بعضاً ناگفته‌ای ارائه می‌شود.

۳- چرایی و چگونگی انتخاب مشی مسلحانه و نحوه‌ی تدوین ایدئولوژی و منابع معرفتی آن و بررسی اجمالی و گذرای متون ایدئولوژیک سازمان از سؤالات دیگری است که تصویر تأسیس سازمان را تکمیل خواهد نمود.

۴- وضعیت درون تشکیلاتی و نحوه سازماندهی اعضا و ارتباطات و تعامل‌های ایدئولوژیک و مناسبات سیاسی و سازمانی با دیگر گروه‌ها و نیروهای فعال مخالف رژیم شاه و تأثیر آن در کیفیت نضج و رشد سازمان در سال‌های اولیه تأسیس، پاسخ بخش دیگری از سؤالات موجود و مقدر در مورد وضعیت سازمان در مقطع قبل از کشف موجودیت سازمان را در بر خواهد داشت.

۵- شناخت علل و عوامل و نحوه‌ی ضربه‌ی امنیتی ساواک و دستگیری‌های گسترده‌ی اعضای سازمان در سال ۱۳۵۰ و آثار آن بر موجودیت سازمان و تغییرات درون تشکیلاتی و رابطه‌ی تشکیلات داخلی زندان با تشکیلات بیرون و رویدادهای منجر به اعلام تغییر ایدئولوژی سازمان در سال ۱۳۵۴،

به روشن ساختن ابهامات و زوایای ناگفته بسیار، یاری خواهد رساند.

۶- مباحث و پرسش‌های موجود در زمینه وضعیت سازمان و کادرهای اصلی آن پس از تغییر ایدئولوژی تا پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، تغییرات در سازماندهی و مشی سازمان طی دو سال پس از انقلاب و رویدادهای منجر به آغاز درگیری مسلحانه علنی و گسترده علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در خرداد ۱۳۶۰ و ابعاد و ویژگی‌های اقدامات مسلحانه سازمان در داخل ایران، در ادامه این تحقیق واکاوی و تبیین می‌شوند.

۷- آنچه که در بیش از دو دهه خروج تشکیلات اصلی سازمان از ایران و سکونت در کشورهای غربی و عراق تاکنون بر سازمان رفته است و رویدادها و مقاطعی که سرنوشت و فرجام سیاسی و ایدئولوژیک پرحادثه و شگفت‌انگیزی برای آن رقم زده‌اند، و ارائه انبوهی از اطلاعات و آمار و اسناد و شواهد گفته و ناگفته در این موارد، بخش عمده‌ای از تحقیق حاضر را به خود اختصاص داده است.

۸- دامنه بررسی و مرور سرنوشت سازمان با تبیین وضعیت فرجامین کنونی و شرایط تشکیلاتی و درونی و بیرونی مرتبط با آن، خاتمه می‌یابد و امکان ترسیم چشم‌انداز آینده برای مخاطب فرهیخته فراهم می‌گردد.

ویژگی‌های این تحقیق

این تحقیق حاصل کار گروهی جمعی از محققان و پژوهشگران تاریخ معاصر ایران است که در دو مرحله به انجام رسیده است.

در سازماندهی مرحله اول پژوهش حاضر، کمیته‌های پنجگانه‌ای به شرح زیر تشکیل شد:

(۱) «کمیته مطالعات پایه‌ای و زمینه‌ای»؛ از آنجا که شناخت زمینه‌ها و بسترهای تاریخی - اندیشگی این تحقیق مستلزم بررسی اجمالی و ملّخصی از زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور در یکصد سال اخیر است، جمعی از پژوهشگران در قالب این کمیته مطالعات لازم را انجام داده و بخش آغازین و فیش‌های مورد استفاده در سایر فصل‌ها را تدوین نمودند.

(۲) «کمیته ایدئولوژی»؛ تبیین هویت ایدئولوژیک بنیانگذاران سازمان و چگونگی شکل‌گیری و تدوین ایدئولوژی، بررسی منابع و متون آموزشی ایدئولوژی سازمان از ابتدا و پیگیری روند تغییرات

ایدئولوژیک آن تاکنون توسط محققان این کمیته به انجام رسید.

(۳) «کمیته خطی - تشکیلاتی»؛ بررسی «تشکیلات» و نحوه ساز و کار آن در ارتباط با عناصر و نیروهای درونی بر اساس اسناد و تجربه‌های شهودی بی‌واسطه مبنای تحقیق این بخش قرار گرفته است. مطالعه تطبیقی تغییرات تشکیلاتی مقاطع مختلف حیات سازمان و الگوهای سازماندهی تشکیلاتی آن در این کمیته صورت پذیرفت و نتایج آن در بسیاری از فصول تحقیق استفاده شد.

(۴) «کمیته اجتماعی - فرهنگی»؛ منظر و خاستگاه اجتماعی نیروهای تشکیل‌دهنده و نقاط اشتراک و افتراق آن با دیگر جریان‌ها و گروه‌ها و نیز خاستگاه‌های فرهنگی متنوعی که برآیند آن در سازمان تبلور یافت، با توجه به مبانی فرهنگی روابط درون سازمان، از اهم موضوعاتی است که برای تکمیل پژوهش حاضر توسط این کمیته انجام شد.

(۵) «کمیته روانشناسی»؛ از آنجا که کنش‌ها و واکنش‌های واحد یا متنوع عناصر درون یک مجموعه، زمانی قابل تفسیر و تبیین هستند که سائق‌ها، انگیزه‌ها و انگیزش‌ها، ایستارها و روابط عاطفی و شناختی آن عناصر شناخته شده باشند، این کمیته به منظور بررسی جوانب مزبور، در چارچوب مطالعات روانشناختی، فعال شد. تعداد قابل توجهی از محورهای تحقیق میدانی پژوهش حاضر، مورد بهره‌گیری این کمیته و «کمیته اجتماعی - فرهنگی» بوده‌اند.

برای تنظیم و تنسيق فعاليت‌های کمیته‌های پنجگانه مزبور و انسجام و یکدست شدن تحقیق حاضر، نشست‌های موضوعی متنوع بین رشته‌ای، میان مسئولان کمیته‌ها و کارشناسان مدعو صورت گرفت و بالغ بر ۵۵۰۰ نفر - ساعت جلسه طی چهار سال زمان انجام مرحله اول تحقیق برگزار گردید. در طول اجرای این پژوهش، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات مکتوب و شفاهی - از طریق بررسی کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی - به عمل آمد. بیش از دوازده هزار فیش تخصصی فراهم شد؛ و بالغ بر یک‌هزار و دو‌یست عنوان کتاب و چهار هزار برگ سند مورد مطالعه قرار گرفتند. در طول این مدت، چهار پژوهش مستقل میدانی (سه مورد در داخل ایران و یک مورد در اروپا) با استفاده از تکنیک پرسشنامه و مصاحبه انجام شد.

همچنین چندین گفتگوی پژوهشی با صاحب‌نظران و کارشناسان تاریخ معاصر ایران صورت پذیرفت و پنج میزگرد پژوهشی در مورد موضوعات تحقیق برگزار گردید که از نتایج آنها در مراحل مختلف استفاده

شد.

پس از پایان مرحله اول و آماده شدن نسخه مقدماتی پژوهش در چهار جلد، مرحله دوم به منظور تلخیص، تکمیل و آماده‌سازی نهایی و انتشار اثر آغاز شد:

شورای علمی ویژه این تحقیق در مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی متشکل از چند نویسنده و پژوهشگر صاحب‌نظر تاریخ معاصر ایران ضمن انجام مطالعات و بررسی‌های تکمیلی و ویراستاری محتوایی و نگارشی اثر، طی یک فرایند فشرده و متراکم با دقت و امعان نظر، حاصل زحمات پژوهشگران مرحله اول را در مدت یک سال به شکل کتاب حاضر در ۳ جلد آماده عرضه ساخت. جلد اول - مشتمل بر مرور تاریخ معاصر و تاریخچه سازمان از ۴۴ تا ۵۴، جلد دوم - از ۵۴ تا ۶۴ و جلد سوم - از ۶۴ تا ۸۴ می‌باشد. میزان توفیق مجموعه همکاران این پژوهش در ارائه اثری محققانه و جامع با رعایت دقیق اصول و موازین علمی، بسته به نظر و داوری مخاطبان فرهیخته و نکته‌سنج خواهد بود. اما لازم به تأکید است که نهایت تلاش ممکن مبذول گردید تا کاری درخور جامعه پژوهشی فراهم آید و گامی در راه اعتلای فرهنگ تحقیق و آگاهی عمومی به بخشی از واقعیات و حقایق تاریخ معاصر ایران برداشته شود. انتظار می‌رود خوانندگان گرمی این اثر با ارائه انتقادات، نظرات و دیدگاه‌های محققانه خویش همکاران این پژوهش را رهین منت خویش سازند تا در چاپ‌های بعدی از آنها استفاده شود و ره‌توشه مطالعات و تحقیقات دیگر نیز گردد.

برخی از مشکلات این تحقیق

علاوه بر نکاتی که در مورد منابع پژوهش در تاریخ معاصر احزاب و گروه‌های سیاسی ایران ذکر شدند، تذکر این نکته نیز ضروری است که آفات و موانع درونی و بیرونی بر سر راه تحقیق در موضوعات مختلف تاریخ معاصر ایران کم نیستند که - پیش از هر چیز - شناخت و وقوف بدان‌ها و آگاهی به میزان شدت و ضعف تأثیرشان در امر پژوهش، لازم است. در اینجا به خاطر جلوگیری از اطالۀ کلام، به آنچه که به تحقیق حاضر مربوط می‌شود، اشاره می‌گردد:

الف - «تاریخی» نشدن: معمولاً بحث و کنکاش پیرامون آن بخش از تاریخ که هنوز ابعاد، آثار و وجوهی از آن ادامه دارد و «معاصرین» - به نحوی - ذی‌سهم و مدعی موافقت یا مخالفت آن‌اند، چندان بی‌دغدغه نیست.

این امر علاوه بر امکان اصطکاک و ارتباط مثبت یا منفی با عقیده‌ها و علقه‌های برخی اشخاص و جریان‌های سیاسی داخل و خارج کشور و وجود نگرانی‌های منطقی در مورد کیفیت تأثیر بر مخاطبان، موجب می‌شود جمع‌بندی، توصیف و تبیین کامل از موضوع، دشوار و تا حدی غیرممکن گردد و دامنه بحث همچنان باز بماند.

ب - «جریان داشتن»: یک جریان هرچند در حقیقت به فرجام خویش رسیده و «مصدق»، متغیّر و متبدّل شده باشد، ادامه‌ی صوری آن - حتی صرفاً با نام و عنوان پیشین و مغایر با اهداف نخستین - مخالفان و موافقان فعالی دارد.

در مورد سازمان مجاهدین خلق، دیدگاه‌های موجود و رایج در بین پژوهشگران و فعالان سیاسی دوران مبارزه علیه رژیم پهلوی، متفاوت و حتی متعارض است:

یک دیدگاه برآنست که این سازمان از بدو تأسیس، «منافق» بوده است، بنیانگذاران آن مشکلات شخصیتی و اعتقادی فراوانی داشتند و با نگاهی ابزاری به دین و مذهب و مبتنی بر ضرورت‌های پراگماتیستی، موفقیت در جامعه مذهبی ایران را مستلزم تظاهر و تمسک به مذهب می‌دانستند و با بهره‌گیری از تجربه شکست حزب توده و عدم امکان تصریح به اعتقادات ماتریالیستی، هسته تعالیم مارکسیستی را در پوسته مذهب قرار دادند.

دیدگاه دیگری وجود دارد که بر ایمان و اعتقاد خالص اسلامی بنیانگذاران سازمان تأکید دارد، آثار ناشی از ضربات رژیم شاه و مشکلات اجتناب‌ناپذیر تدوین ایدئولوژی در درون سازمان، عمل‌زدگی و جذب عناصر کم‌صلاحیت و مستعد انحراف را به عنوان علل اصلی توقف روند تکاملی سازمان برمی‌شمرد، خیانت و ارتداد گروهی از کادرهای درجه دو در غیاب بنیانگذاران و کادرهای اصلی را زمینه‌ساز سقوط و انحطاط بعدی و کنونی محسوب می‌کند.

دیدگاه سوم هم ضمن اقتباس بخش‌هایی از واقعیات موجود در دو تحلیل مذکور و تفکیک بین صداقت و انگیزه‌های متعالی شخصی بنیانگذاران، با فقدان توان و صلاحیت ایدئولوژیک آنان در پی‌ریزی یک سازمان توحیدی، بر این تحلیل استوار است که زمینه‌ها و ضعف‌های موجود ناشی از خودکفایی کاذب ایدئولوژیک، بستر اصلی رشد انحراف و ارتداد و نفاق را فراهم ساخت و سرنوشت سازمان در دست ماجراجویان ماکیاویستی قرار گرفت که در تباین و تضاد با شخصیت و آرمان‌های بنیانگذاران و شماری از کادرهای اولیه بودند، اما نمی‌توان و نمی‌بایست وضعیت کنونی سازمان را کاملاً

منتزع و منفک از واقعیات تاریخ تأسیس و چگونگی شکل‌گیری آن ارزیابی و تحلیل نمود. وجود کنش‌ها و واکنش‌های جاری و داوری‌های گوناگون روزآمد شده، نه تنها اذهان عموم را در مواجهه با موضوع تحت‌تأثیر قرار می‌دهند، بلکه پژوهشگران نیز نمی‌توانند از احکام و مفروضات متفاوت و حتی متعارض مطرح، خود را یکسره برکنار ببینند و در مسیر تحقیق خویش اشتراکات یا اختلافات دیدگاه خود با آنها را نادیده بیان‌دارند. لاجرم نوعی داد و ستد فعال با فضای موجود معرفتی و سیاسی مرتبط با موضوع، در طول تحقیق شکل می‌گیرد که ممکن است زمینه سوءتفاهم در داوری‌های بعدی نسبت به نتیجه تحقیق را پدید آورد.

بنابراین لازم است توجه داشت که هرگونه مشابهت یا اشتراک و یا اختلاف با دیدگاه‌های جاری، مستقل از شیوه تحقیق و اعتبار علمی استنادات و تبیین‌های حاصل از این پژوهش نیستند و در مقوله پیش‌داوری نمی‌گنجد. البته در مورد موضوعات تاریخی شده نیز این مشکل بروز می‌کند ولی در مواردی که موضوع همچنان جریان دارد، شدت و شتاب و وسعت این مشکل بیشتر می‌شود و مخالفان این فرصت را خواهند داشت که سهل‌تر اتهام و برچسب پیش‌داوری را وارد سازند... و داوری نهایی با مخاطبان فرهیخته خواهد بود.

ج - برخلاف احزاب و گروه‌هایی که صرفاً فعالیت علنی دارند و کارنامه آنها با سهولت بیشتری قابل بررسی است، مجموعه کامل عملکردها و مواضع و اسناد سازمان‌ها و گروه‌های مخفی در دسترس نیست؛ و دستیابی به بسیاری از آنها نیازمند جست و جو و کاوشی فوق‌العاده زمان‌بر و وقت‌گیر است. ضمناً روند تولید اسناد و مدارک توسط این سازمان‌های فعال و موافقان و مخالفان آنها نیز کماکان تداوم دارد و همواره در هر مرحله‌ای از تحقیق، اسناد جدیدی به دست می‌آیند که مآلاً پژوهش از آنها بی‌نیاز نخواهد بود. اما در خاتمه کار به ناگزیر بسیاری از اسناد تازه بلااستفاده می‌مانند و نمی‌توان ناتمام ماندن ناگزیر این فرایند را نادیده انگاشت. از سوی دیگر خصلت غیرعلنی بودن یک سازمان به دلیل ملاحظات و نگرانی‌های بسیاری از افرادی که مشاهدات یا اطلاعات آنان قابلیت استناد معتبر را دارا هستند ولی به لحاظ تهدیدگری و انتقام‌جویی سازمان مایل به تصریح نام خویش نیستند، نیز مشکل مضاعف پدید می‌آورد.

د - ماهیت تروریستی و شورشگرانه یک سازمان که بیش از دو دهه به اقدام نافرجام با هدف براندازی مسلحانه نظام سیاسی کشور دست یازیده است، جبهه مقابل را نیز - ضرورتاً - به پنهان‌کاری و

طبقه‌بندی بخش عمده یافته‌های پژوهشی خویش ناگزیر می‌سازد. از این رو دسترسی به اسناد، مدارک و شواهد دولتی نیز برای هر گروه پژوهشی بسیار دشوار و طبیعتاً محدود است. به رغم مشکلات مزبور، علاوه بر حجم گسترده‌ای از اسناد و مدارک منتشره مختلف در داخل و خارج، بسیاری از اسناد و اطلاعاتی که تاکنون انتشار عمومی نیافته‌اند در این پژوهش برای اولین بار منتشر می‌گردند. این اسناد معتبر و دست اول، مکمل سایر منابع و استنادات معتبر موجود و موجب غنای این پژوهش گشته‌اند.

لازم به ذکر است که مشخصات کامل کتاب‌شناختی منابع و مآخذ در فهرست الفبایی منابع، مندرج در پایان جلد سوم، ارائه شده و در پانوشته‌های هر صفحه فقط به نام فامیل نویسنده و نام کتاب اکتفا شده است. ضمناً در پانوشته‌ها دو یا سه کلمه ابتدای اسامی طولانی کتاب‌ها درج شده که عنوان کامل آنها را در فهرست مذکور می‌توان یافت.

در خاتمه لازم است امتنان خود را نسبت به تمامی یاران و همراهان این تحقیق ابراز داشته از برخی به تصریح، صمیمانه تشکر گردد:

- نهاد ریاست جمهوری، به خاطر اهتمام و همراهی بی‌دریغ مشاوران نهاد؛
- مرکز مطالعات راهبردی، به خاطر فراهم نمودن شرایط بهره‌برداری از اسناد مکتوب فارسی و لاتین؛ و نیز تدارک انجام چند گفت و گوی پژوهشی درباره موضوع تحقیق؛
- مرکز بررسی اسناد تاریخی، که ضمن در اختیار گذاردن حجم زیادی از اسناد قبل و پس از انقلاب، امکان همکاری مؤثر هیئت علمی و کارشناسان خود با پژوهشگران این تحقیق را فراهم ساخت؛
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، جهت استفاده از برخی منابع و اسناد مهم مربوط به زندانیان دوره پهلوی؛

- هیئت علمی و محققان مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی که فرصت‌های گرانبهایی را برای مشاوره و مصاحبه پژوهشی فراهم نمودند؛
- و همه کسانی که با سخاوت و سماحت به انحاء مختلف با مساعدت‌ها و همکاری‌ها و گفت و گو با پژوهشگران، تجربیات و خاطرات و دیدگاه‌های خود را بیان نمودند.

پاییز ۱۳۸۴

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی